



**متن سخنرانی**

**سید حسن نصرالله**

**به مناسبت آغاز شب‌های  
قرآنی ماه مبارک رمضان**

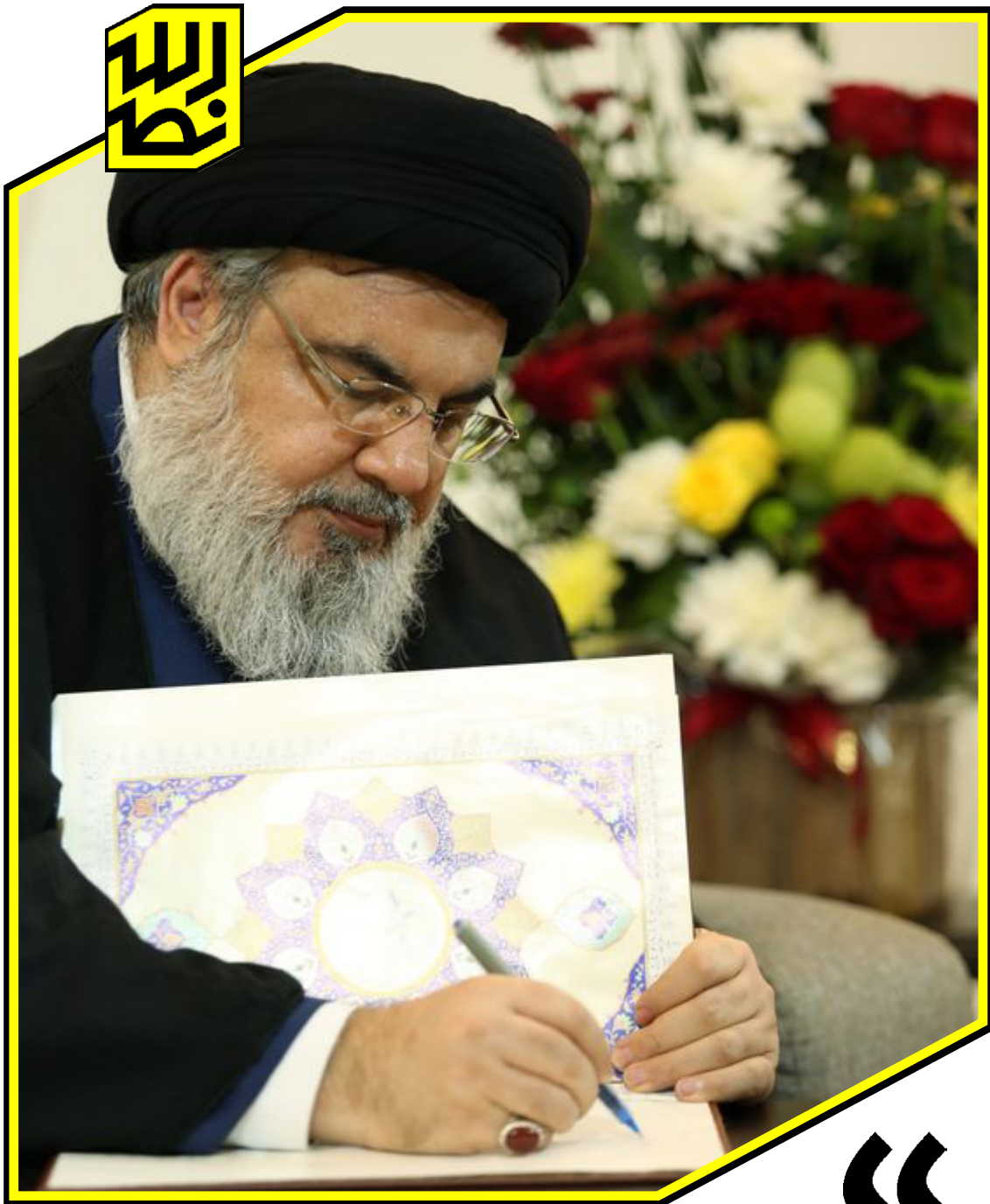
(۲۳/ اسفند/ ۱۴۰۲ شمسی)

(۱۳/ مارس/ ۲۰۲۴ میلادی)

(۲/ رمضان/ ۱۴۴۵ قمری)







“

امروز در امت اسلامی ما یکی از بزرگ‌ترین  
بلاها و امتحانات و آزمون‌ها این است که امت  
ما به ویژه از سال ۱۹۴۸ میلادی تا به امروز با  
آن مواجه است و آن وجود و استقرار این رژیم  
سرطانی غاصب و اشغالگر توسط شیاطین بزرگ  
و مستکبر جهان در فلسطین اشغالی است.



## فهرست

- مهم ترین نکته و عامل در ماه مبارک رمضان، معرفت و شناخت است. ..... ۶
- ماه رمضان از تمامی ماه‌ها برتر است و شب قدر از هزار ماه بهتر است. .... ۷
- ماه مبارک رمضان، ماه رحمت، بخشش و توبه است. .... ۷
- این ماه، ماه رهایی از جهنم و پیروزی و رسیدن به بهشت است. .... ۸
- غزه نیازمند حمایت در جنگ، کمک مالی و سیاسی است. .... ۸
- از مهم ترین اعمال در این ماه مبارک، تلاوت کتاب گران قدر خداوند عزوجل است. .... ۹
- قرآن کریم از هرگونه تحریف و تغییر مصون و محفوظ بوده است. .... ۹
- وقتی قرآن می‌خوانیم باید احساس کنیم که خدا با ما صحبت می‌کند. .... ۱۰
- آنچه لازم است تلاوت قرآن همراه با تدبر و تفکر و توجه و فهم و درک است. .... ۱۰
- گوش دادن به قرآن با صدایی زیبا و رسا، تأثیرات روحی، قلبی و روانی دارد. .... ۱۱
- علاقه جوانان به جهاد در راه خدا یک فرهنگ ایمانی قرآنی است. .... ۱۲
- شهادت و شهادت طلبی برای مؤمنان، مایه خوشحالی و شادمانی است. .... ۱۳
- امروز بزرگ‌ترین آزمایش و آزمون الهی، وجود و استقرار این رژیم سرطانی غاصب و اشغالگر توسط شیاطین بزرگ و مستکبر جهان در فلسطین اشغالی است. .... ۱۳
- غزه همچنان شجاعانه مقاومت می‌کند، با سرسختی می‌جنگد و ایستادگی می‌کند. .... ۱۴
- به نتانیا هو می‌گوییم: حتی اگر به رفح بروید، در جنگ شکست خواهید خورد. .... ۱۵
- با وجود تمامی این کشتارها، ویرانی‌ها، خیل عظیم شهدا، مجروحان، تلفات، محاصره و گرسنگی، مردم غزه همچنان مقاومت را در آغوش می‌کشند. .... ۱۵
- امروز مقاومت قوی، حاضر، استوار، در موضع پیروزی و در موضع قدرت است. .... ۱۶
- اسرائیلی‌ها می‌گویند: کسی که مانع رسیدن مذاکرات به نتیجه می‌شود خود نتانیا هو است. .... ۱۶
- هدف واقعی مذاکرات، متوقف کردن تجاوز و حملات است. .... ۱۷
- مسئله این است که این تجاوز، این کشتار و این نسل‌کشی تمام می‌شود و ان شاء الله به این هدف می‌رسد. .... ۱۷
- داستان انداختن مقداری غذا [برای مردم غزه] برای خنداندن دنیاست. .... ۱۷



## فهرست

این جبهه [پشتیبانی] وظیفه خود را در اعمال فشار انسانی، مادی و اقتصادی بر دشمن انجام می‌دهد و نقش خود را در این نبرد به طور کامل ایفا می‌کند. .... ۱۸	۱۸
سرنوشت ما، دین ما، هدف ما و نبرد ما یکی است، اسرائیل هم دشمن مشترک ماست. .... ۱۹	۱۹
در اسرائیل و رسانه‌های اسرائیل، در خصوص خسارات جانی و مادی در جبهه شمالی مخفی‌کاری شدید وجود دارد. .... ۲۰	۲۰
ارتش رژیم صهیونیستی خسته، فرسوده و شکست خورده است. .... ۲۱	۲۱
ارتش اسرائیل نیروی کافی برای جنگیدن با لبنان را ندارد. .... ۲۲	۲۲
از دیگر نتایج جبهه لبنان، بازدارندگی دشمن از جنگ با لبنان است. .... ۲۳	۲۳
محور مقاومت و گروه‌های مقاومت در موضع قدرت قرار دارند و دشمن در موقعیت ضعیفی قرار دارد. .... ۲۳	۲۳



اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم  
حمد و سپاس پروردگار دوجهان و با سلام و درود بر سید و پیامبرمان حضرت ابی القاسم محمد بن عبدالله (صلی الله علیه وآله وسلم) و بر خاندان پاک و مطهر ایشان و بر یاران برگزیده و بر تمامی انبیاء و رسولان الهی (علیهم السلام).  
آقایان علماء، خانم‌ها و آقایان، نمایندگان محترم، برادران و خواهران عزیز، سلام علیکم و رحمت الله وبرکاته.

ابتدا حلول ماه مبارک رمضان را به همه شما تبریک و تهنیت عرض نموده و از خداوند متعال توفیق و موفقیت‌مان را در هر کاری که موجب خشنودی او می‌گردد و ما را به او نزدیک می‌سازد را مسئلت دارم.

اگرچه امسال در محاصره غزه قرار داریم و آنچه برای مردم غزه در غزه و در جبهه‌های پشتیبانی در جنوب لبنان و یمن و عراق می‌گذرد، در شب‌ها و روزها و اعمال ماه رمضان فراگیرنده است و به شدت حضور خواهد داشت، همان‌طور که واقعاً باید به شدت حضور داشته باشد.

### **مهم‌ترین نکته و عامل در ماه مبارک رمضان، معرفت و شناخت است.**

در این سخنرانی دوست دارم - البته زمان زیادی برای سخن گفتن نمی‌خواهد - خیلی مختصر، یک نکته در مورد ماه رمضان، یک نکته در مورد قرآن و شب‌های قرآنی و یک نکته در مورد حوادث و تحولات موجود با یکدیگر سخن بگوییم.

مانند هر سال و از گذشته، در اول هرماه رمضان با این نکته شروع کرده‌ایم که مهم‌ترین عامل در ابتدا معرفت و شناخت است، معرفت و شناخت یک مقدمه است، یک عامل و مطالبه برای هر کاری است. بدون شناخت و معرفت، فرصت‌ها از دست ما می‌رود. شناخت ماه رمضان، شناخت فضیلت و ارزش و عظمت و کرامت آن برای ما بسیار مهم است.

زیرا وقتی جایگاه و حقیقت و عظمت آن را بدانیم، فرصت بزرگی را که ماه رمضان در اختیار ما قرار می‌دهد را کشف می‌کنیم و به این ترتیب به کار و تلاش ادامه می‌دهیم و شب و روز، ساعت‌ها، دقیقه‌ها و ثانیه‌های آن را مغتنم می‌شماریم؛ بنابراین معرفت و شناخت موضوع مهمی است. به آیات خدا بازمی‌گردیم. این شناخت و آگاهی چگونه به وجود می‌آید؟ زیرا ما در مورد [علم] غیب خدا صحبت می‌کنیم و آن را از جانب خداوند سبحانه و تعالی می‌دانیم؛ او این ماه را انتخاب کرد و آن را یکی از بهترین ماه‌ها، روزهایش را بهترین روزها و شب‌هایش را بهترین شب‌ها قرار داده است.

دقیق‌تر آن است [بگوییم] که آن را بهترین ماه‌ها و روزهایش را بهترین روزها و شب‌هایش را بهترین شب‌ها است.

ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده است، هدایتی برای مردم و دلایل روشن هدایت و معیار تشخیص [حق و باطل] است. این یک جنبه از گرمی داشت و بزرگ شمردن الهی ماه رمضان است که در این شرایط زمانی خداوند متعال کتاب جاویدان خود را در آن نازل کرده است. در دعای امام زین‌العابدین (علیه السلام) در صحیفه سجادیه و در استقبال ماه مبارک رمضان، امام (علیه السلام) می‌فرماید: و به ما الهام کرد که فضل و برتری خودش را بشناسیم - یعنی از خداوند عزوجل می‌خواهد - او به ما الهام کرد که فضیلت و عزت او را بشناسیم و حرمت او را ارج نهیم؛ این شناخت و آگاهی و معرفت مهم و مورد نیاز است.



## ماه رمضان از تمامی ماه‌ها برتر است و شب قدر از هزار ماه بهتر است.

در کتاب‌های ادعیه از جمله دعاهای مستحبی که در تعقیبات هر نماز واجب در ماه مبارک رمضان می‌خوانیم از جمله دعای (یا علی یا عظیم)، در اینجا ما را به این معرفت راهنمایی می‌کند. می‌فرماید: «این ماه، ماه عظمت و سخاوت و عزت و برتری است و او بر ماه‌های دیگر برتری دارد و ماهی است که روزه‌داری در آن واجب شده است.» خداوند متعال به خاطر فریضه و واجب بزرگ و روزه‌اش که ثواب آن را می‌دهد، ماه رمضان را برمی‌گزیند.

ماهی است که روزه در آن واجب شد و این ماه رضانی است که قرآن در آن نازل شده است - بنابراین ظرف زمانی نزول قرآن است - هدایت مردم و دلایل روشن و معیارتشخیص [حق و باطل] در آن قرارداد و شب قدر را در آن قرارداد و آن را از هزار ماه برتر ساخته است.

در برخی از روایات و در فضل و برتری برجستگی و شایستگی والای ماه مبارک رمضان همین کافی است که اشاره شده از سایر ماه‌ها بهتر و برتر است، زیرا در یکی از شب‌های آن شب قدر است و از هزار ماه به غیر از ماه‌های رمضان بهتر و برتر است.

در این شب، در آغاز این شب‌ها و شامگاهان، البته توصیه من به خودم و برادران و خواهرانم این است که احادیث شریف را مرور کنید و در دعاهای شریفی که از فضیلت این ماه و ثواب عظیم در این ماه را بیان می‌کند و در اعمال مختلف آن به ویژه مطالعه خطبه رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) که در استقبال از من در ماه مبارک رمضان بیان شده است و همه ساله آن را با یکدیگر مرور می‌کردیم، تفکر و تدبر نمایید.

اما شما را به بازگشت به آن و مطالعه آن دعوت می‌کنم و برخی عناوین آن را ذکر خواهم کرد. همان طور که عرض کردم این یک انگیزه قوی برای توجه و اهمیت دادن به آن است، همچنین وقتی به روایات و دعاهای مبارک می‌رسیم، صفات زیادی را می‌یابیم که با ماه رمضان مطابقت داده شده است که در نگاه اولیه، بیشتر این ویژگی‌ها را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

قسمی از آن با بنده و با انسان ارتباط دارد و قسمتی است که مربوط به صفات خدا و باخدای متعال ارتباط دارد. مثلاً این ماه، ماه توبه است، ماه تمایل به او و بازگشت به سوی خداست، این ماه توبه است؛ البته توبه کردن شامل دو بخش می‌شود.

## ماه مبارک رمضان، ماه رحمت، بخشش و توبه است.

چه کسی ملزم به پشیمانی است؟ چه کسانی ملزم به بازگشت هستند؟ چه کسی باید طلب آمرزش کند؟ این ماه استغفار است. چه کسی باید بنده‌اش را مورد آمرزش قرار دهد؟ از طرفی این ماه مغفرت است، این ماه آمرزش است، این ماه رحمت است، این ماه توبه است، توبه از هر دو طرف است: بنده به سوی خدا توبه می‌کند و خداوند توبه بنده خود را می‌پذیرد.

بنابراین صفاتی که به ماه رمضان داده شده برخی مربوط به بنده و برخی مربوط به خداوند متعال است و این صفات فقط برای تکریم یا بیان کرامت و فضیلت ماه مبارک رمضان نیست، بلکه فراخوانی برای اقدام و امید داشتن هستند؛ وقتی ویژگی‌های ماه رمضان را که مربوط به خداوند متعال است را می‌خوانیم، امید، آرزومندی، اطمینان، توکل و اعتماد خود را به خداوند متعال بیشتر می‌کنیم.

همچنین وقتی صفات ماه رمضان را که مربوط به بنده است را می‌خوانیم دعوت به عمل است؛ بنابراین صفات ماه رمضان به خدا متصل است و ندای امید داشتن به خدای متعال است و صفاتی که مربوط به بندگان است مربوط به عمل کردن است.



به عنوان مثال: همچنین مثلاً ماه مهمانی خدا ماهی است که در آن به میهمانی خدا دعوت می‌شوید - نزد خدا ما مهمان او هستیم - تصور کنید وقتی خدای متعال، اهل سخاوت و اهل بخشش است و شما نزد او هستید، برای مهمانان چگونه فرصتی وجود خواهد داشت؟ ماه رحمت خداست که بندگان را مورد رحمت و لطف قرار می‌دهد و توبه آن‌ها را می‌پذیرد؛ برای ما در این ماه و در شب‌ها و روزهای ماه رمضان رهایی از آتش دوزخ قرارداد شده است و در برخی دعاها آمده است که در هر شب ماه رمضان بندگان از آتش دوزخ آزاد می‌شوند.

### **این ماه، ماه رهایی از جهنم و پیروزی و رسیدن به بهشت است.**

هر شب یک حکم الهی برای فهرستی از بندگان صادر می‌شود که خداوند متعال گردن آن‌ها را از آتش دوزخ آزاد می‌کند و تا آخرین شب ماه مبارک رمضان ادامه دارد، البته اوج آن در شب قدر است و از این رو در دعاهای شریف همیشه تکرار می‌شود که ما را از رها شدگان خود از آتش دوزخ قرار ده.

این ماه رهایی از جهنم است، این ماه پیروزی و رسیدن بهشت است. اوست که این پیروزی را به ما عطا می‌کند، این ماه مواهب الهی است، ماه استعدادهای معنوی، ماه کرامت الهی، سخاوت الهی و بخشش الهی است و این چیزی است که خداوند با آن‌ها مهمان‌نوازی می‌کند. این ماه، ماه قبولی اعمال است، خداوند پذیرنده اعمال است، این ماه استجاب دعاست، در این ماه خداوند متعال دعاها را مستجاب می‌کند.

این‌ها صفات معروف اوست که برخی از آن‌ها به خدا متصل است، همان‌طور که گفتیم: درهای امید و امیدواری را به روی ما باز می‌کند؛ از سوی دیگر آنچه به انسان و بندگان مربوط می‌شود: البته من می‌خواهم صفات را با القابی که رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) مطرح کرده‌اند یا در خطبه منسوب به ایشان در استقبال از ماه مبارک رمضان بیان شده است را جمع کنم. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) پس از تسبیح و تمجید خداوند و معرفی ماه رمضان، ایشان از دسته‌ای از اعمال و ثواب و مزد ناشی از آن صحبت می‌کنند.

البته فقط ثواب و پاداش حاصل از این اعمال را برای تشویق ما بیان می‌کنند و می‌توانیم به خطبه برگردیم، اما اگر بخواهیم عناوین ماه روزه را بیان کنیم، این روزه‌داری بر ما واجب است که در این ماه روزه بگیریم.

ماه اقامه نمازهای واجب است، پس ما آن را سهل و آسان نمی‌گیریم و با خواندن نمازهای مستحبی از فرصت این ماه استفاده می‌کنیم زیرا برکات و فواید آن بسیار است؛ حداقل آن نماز شب است و این‌گونه است؛ مانند برخی مردم که می‌خواهند بیدار شوند و هرچقدر که می‌خواهند سحری می‌خورند، این نماز نافله شب را اقامه کنید و آثار برکات آن را ببینید.

### **غزه نیازمند حمایت در جنگ، کمک مالی و سیاسی است.**

دعا کردن با حضور قلب، توبه، استغفار، طلب بخشش کردن، بسیار در این ماه توبه کردن توصیه شده است، این ماه پاکیزگی و طهارت است که انسان در آن خود و روح و جسم و جان را پاک می‌کند. ماه تلاوت قرآن، ماه دعا و نیایش است. دعا گوهر و مغز عبادت است همان‌طور که رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) فرموده است اهمیت زیادی دارد - مرا بخوانید تا شمارا اجابت کنم - برادران و خواهران، در دنیا و آخرت هیچ چیز بهتر و مؤثرتر از دعا کردن ما نیست.



علاوه بر دعا کردن، کار، تلاش، استغفار، کار نیک، تلاش در راه خدا و صبر در برابر بلاها و سختی‌ها و مصیبت‌ها و امتحانات همگی بخشی از آن‌هاست. اما قبل، حین و پس از آن دعا کردن اهمیت دارد؛ دعا سلاح مؤمن است و این مسئله بسیار مهمی است.

به‌ویژه در این روزها که شاهد جنایات عظیم و نسل‌کشی شرم‌آور بشریت در غزه هستیم و سکوت خاموش جهان در قبال آنچه در حال وقوع است را شاهد هستیم؛ غزه نیازمند حمایت در جنگ، کمک مالی و سیاسی است. او [غزه] همچنین در دعا کردن نیاز به حمایت دارد و من فکر نمی‌کنم در تمام دنیا کسی باشد که نتواند دعا کند.

هیچ ارتش و رژیم و سرویس اطلاعاتی نمی‌تواند کسی را از این کار [دعا کردن] بازدارد؛ هر فردی می‌تواند در خانه‌اش، در اتاق دربسته‌اش، بین خود و خدا سبحان، بدون ترسیدن از کسی نجوا و دعا کند. خداوند متعال همراه و هم‌نشین دل‌های شکسته یا دل‌هایی است که شکسته می‌شوند. با قلب‌های شکسته، متأثر و غمگین از بی‌عدالتی فاحشی که بر مردم ما در غزه اعمال می‌شود، باید با دعا کردن به درگاه خداوند متعال متوسل شویم.

### **از مهم‌ترین اعمال در این ماه مبارک، تلاوت کتاب گران قدر خداوند عزوجل است.**

این ماه برای تمامی شئون دنیاست. ماه تضرع، ماه انفاق، ماه همدردی با فقرا و نیازمندان، ماه اطعام، ماه تکریم یتیمان و مهربانی بر آنان، ماه صلهرحم و دوستی با خویشان و همسایگان، ماه یاد گرسنگی و تشنگی روز قیامت، احترام به سالمندان و احترام به فرزندان، نگه‌داشتن زبان، تقوای شنوایی و بینایی، افطاری دادن به روزه‌داران، اصلاح شخصیت در برابر بدی‌ها، بردباری و فروبردن خشم در برابر مردم و ماه صلوات بسیار فرستادن بر محمد و آل محمد (ص) است.

این‌ها همه عناوینی است که در خطبه‌های رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده است و سزاوار است به‌عنوان یک برنامه عملی به‌کاربرده شود - یعنی در نصف صفحه و در دو ستون یادداشت کنیم و آن را جلوی چشمان خود قرار بدهیم و به اجرای آن ملزم و پایبند باشیم - به قرآن کریم می‌رسیم.

ماه تلاوت قرآن کریم، همانا ماه قرآن است و از مهم‌ترین اعمال در این ماه مبارک، تلاوت کتاب گران قدر خداوند عزوجل است.

در خطبه‌ای که از رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل کردیم - همچنین از ویژگی‌های فضیلت ماه رمضان است - می‌فرماید: «کسی که در این ماه آیه‌ای از قرآن را در آن بخواند، ثواب آن را دارد که در ماه‌های دیگر تمام قرآن را تلاوت کند».

یعنی هر کس در ماه رمضان آیه‌ای از کتاب خدا را بخواند و تلاوت نماید، ثوابش مانند ثواب آن است که در غیر ماه رمضان تمام قرآن را ختم کرده باشد.

برخی مردم می‌گویند: چطور ممکن است این همه بخشش و کرم وجود داشته باشد؟ در واقع ذهن مردم میزان سخاوت و بخشش بیکران الهی را که در ماه میهمان‌نوازی خداوند متعال که در این ماه بیان شده و متجلی می‌شود را درک نمی‌کنند.

### **قرآن کریم از هرگونه تحریف و تغییر مصون و محفوظ بوده است.**

همچنین در اینجا به معرفت و شناخت بازمی‌گردیم، اهمیت شناخت و آگاهی و معرفت، شناخت کتاب خدای متعال، این قرآن کریم و شناخت عظمت و ارزش و جایگاه آن نزد خداوند متعال



و نعمت والای آن نزد خود را بیان می‌کنیم - زیرا ما نسل‌هایی هستیم که پس از نازل شدن خداوند متعال قرآن و اتمام کامل آن بر قلب رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) به دنیا آمدیم - نسل قبلی و فعلی ما در زمانی که این قرآن و این کتاب مقدس و جاویدان الهی نازل شد حضور نداشته است.

برادران و خواهران وقتی کتاب خدا را در دست می‌گیریم باید به آن توجه کنیم زیرا این کلمات، کلام الله جل جلاله است و این جملات و این آیات و کلام خداوند متعال است.

این کتابی است که خداوند آن را از هر تحریف و جعل و تغییر و جابجایی و جمع و تفریق محفوظ و مصون داشته است و همیشه می‌گوییم این یکی از معجزات بزرگ قرآن کریم است.

اگرچه دلایل تحریف، تغییر، جابجایی، جعل، تزویر و نقصان، دلایل فکری، عقیدتی، مذهبی و سیاسی و چه و چه بسیار طولانی و زیادی دارد، اما هیچ کس به هیچ وجه نتوانسته به این قرآن دست بزند و آن را تحریف نماید.

این یک معجزه الهی است که برای مردم آشکار است، این قرآن معجزه‌ای است که در دستان ماست، البته اخیراً برخی از کسانی که خود را اهل روشنفکری و تفکرات خاص می‌دانند، وقتی دیدند که این قرآن از تحریف و جعل و تغییر مصون مانده، اندیشه جدیدی را مطرح کرده‌اند که شاید قدیمی هم باشد تا شبهه ایجاد کنند و بگویند در حقیقت این‌ها سخنان خداوند متعال نیست.

می‌گویند: آری، این معانی قرآن معانی است که خداوند بر رسولش حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل کرده، اما این رسول الله (صلوات الله علیه و آله) بوده که با این الفاظ و این آیات و این ادبیات آن‌ها را بدین گونه بیان داشته، یعنی یکی از بدعت‌های جدیدی که امروز عده‌ای برای تضعیف قداست والا و بسیار عظیم آیات خدا و کتاب الله جل جلاله در نظریه‌پردازی‌های خود به کار می‌بندند.

این کتاب دارای نص و متن کاملاً الهی است، کلمات آن، کلام و سخن الله است، آیات و نشانه‌های آن از جانب خداوند متعال نازل شده است، و ادبیات آن، ادبیات خداست و خداوند متعال آن را به زبان عربی روشن و واضح نازل کرده است که مردم آن را می‌فهمند، مردم آن را می‌خوانند و مردم آن را درک می‌کنند.

### **وقتی قرآن می‌خوانیم باید احساس کنیم که خدا با ما صحبت می‌کند.**

بنابراین این کتاب باید همان کتابی باشد که سرنوشت ما در دنیا و آخرت به آن بستگی دارد و در اینجا این موضوع عنایت و توجه و دغدغه ماست. برادران و خواهران، وقتی این کتاب مقدس را می‌خوانیم ما باید احساس کنیم - یعنی باید این احساس را داشته باشیم، این حس را داشته باشیم که خدا با ما صحبت می‌کند - آیا چیزی بزرگ‌تر از این وجود دارد، اگر کسی به شما بگوید: به خدا سوگند این فلان پادشاه و رئیس و رهبر بزرگ و یا فلان پیامبر است که با شما مثلاً از طریق تلفن با شما صحبت می‌کند، چه احساسی دارید؟ چه واکنشی نشان خواهید داد؟! لحظه‌ها یا دقایقی که او با شما صحبت می‌کرد چه احساسی دارید؟

### **آنچه لازم است تلاوت قرآن همراه با تدبر و تفکر و توجه و فهم و درک است.**

بسیار خوب، در اینجا روایاتی هست که به ما می‌آموزد وقتی قرآن می‌خوانیم باید احساس کنیم که خدا با ما صحبت می‌کند، خدا ما را مورد خطاب قرار می‌دهد؛ وقتی می‌گوید: «ای مردم بگو» ما از مردم هستیم و او با ما صحبت می‌کند. می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید - انشاء الله ما از مؤمنان و کسانی که ایمان آورده‌اند هستیم - ای انسان، در گفتار مستقیم با مردم است؛



بنابراین این نعمت بزرگ الهی است که در میان ما در خانه‌ها، در مساجد، در زندگی ما وجود دارد، اما گاهی آن را نادیده می‌گیریم، از آن غافلیم، بدان اهمیت نمی‌دهیم و رها می‌کنیم و آن را نادیده می‌گیریم و وقتی در روز قیامت آمدیم به مصیبت بزرگ غفلت و ترک این کتاب بزرگ الهی پی خواهیم برد. در ماه مبارک رمضان از ما بیشتر خواسته شده است که به تلاوت کتاب خداوند متعال اهتمام و توجه بیشتری داشته باشیم و البته آنچه لازم است تلاوت همراه با تدبر و تفکر و توجه و فهم و درک است. به همین دلیل است که برخی از علمای بزرگ ما می‌گویند که مستحب است انسان کتابی [قرآن] را بخواند که در پاورقی صفحه‌های آن دارای تفسیر تعابیر و لغات باشد تا اگر به کلمه‌ای رسید که متوجه آن نشد آن‌ها را مطالعه کند؛ زیرا تدبر در آیه و فهم آیه پیش از رفتن به آیه بعدی نزد خداوند متعال مورد توجه و مطلوب است.

ما مجبور نیستیم فقط بخوانیم و یا همان‌طور که قبلاً می‌گویند انجام دهیم؛ چه کسی می‌خواهد قرآن را کامل قرائت کند؟ هدف فقط قرائت یک سوره و به پایان رساندن آن نیست. مثلاً داریم می‌خوانیم ببینیم به کجا رسیده‌ایم، سوره تمام می‌شود، یا پس از اتمام سوره، یا پس از ختم قرآن، این قرائت مورد پسند نیست.

قرائت مورد نظر، خواندن با آرامش و تدبر و اندیشه است، مخصوصاً آنچه مربوط به صحنه‌های قیامت و آیاتی است که در مورد مرگ و پس از مرگ و آنچه انسان با آن روبروست، بهشت و جهنم و آیات داستان‌های کسانی که پیش از ما آمده‌اند و پندها و عبرت‌هایی که در آن‌ها آمده است؛ هدف ختم و خواندن قرآن به صورت سریع و تند و گذر کردن بدون توجه به آن نیست.

برعکس، خواندن آرام، با آرامش، آهسته و متفکرانه چیزی است که لازم است. موضوع دیگری نیز وجود دارد که باید مورد توجه ما قرار گیرد و آن گوش دادن به تلاوت قرآن است. حالا ممکن است کسی از صدای زیبا محروم باشد. یعنی کسی صدای زیبا و نغمه‌ای زیبا نداشته باشد و مردم از تلاوت او بدشان بیاید. به همین دلیل به برخی از برادران می‌گفتم: من صدای زیبایی برای تلاوت قرآن ندارم. و قرآن بخوانید، حتی اگر منظم، آرام، دقیق و حتی بدون صوت باشد.

## **گوش دادن به قرآن با صدایی زیبا و رسا، تأثیرات روحی، قلبی و روانی دارد.**

اما نعمت گوش دادن به قرآن نیز از موارد پسندیده است، هدف فقط تلاوت قرآن نیست، مطلوب این است که مجلسی مانند این مجلس یا مجالسی که در این‌گونه در شب‌های قرآنی برگزار می‌شود برگزار کنیم و از قرائت قاریان قرآن و محضر شیوخ و اساتید بزرگوار بهره‌مند بشویم، همان‌طور که اندکی پیش به تلاوت این برادر بزرگوار گوش دادیم.

ما به قرآن کریم گوش می‌دهیم، به صوت‌های زیبا، به قرائت‌های زیبا گوش فرا می‌دهیم و این البته زمانی است که قرآن با صوتی زیبا و رسا خوانده شود زیرا تأثیرات روحی، قلبی و روانی دارد و برای برخی افراد ممکن است گوش دادن به قرآن تأثیر بیشتری بر آن‌ها بگذارد.

آنچه برای انسان مهم است، تلاوت یا گوش دادن به قرآن است، بنابراین وقتی مؤمن به قرآن و به شرحی که امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) خطاب به صالحان می‌فرماید: «قرآن را باید با گوش و دل و ذهن و جان‌شان و بامعنای آیه و مضمون آیه و کلام آیه بشنود و با آن زندگی کند» و باید از هر چیز دیگری یا فضایی که این آیاتی را که با آن صدای زیبا بیان و تلاوت می‌شود و از بین ببرد فاصله بگیرد.

خیلی وقت پیش، پیش از اینکه موسیقی، سرود و آهنگ و از این موارد این‌گونه وجود داشته باشد.



نسل جوان به یاد دارید که می‌گفتند که این‌ها حرام هستند و برخی برادران می‌گفتند جایگاه این‌ها حرام هستند-

به هر حال، بسیاری از مردم مؤمن هستند، در خودرو و در خانه‌هایشان به قرآن گوش می‌دهند، اما در محل کار و یا مغازه‌ها چیزهای دیگری وجود دارد؛ ما باید به این برگردیم، یعنی در خودروهایمان، در خانه‌هایمان، قرائت‌های بسیار زیبا و بسیار تأثیرگذار و از قاریان بزرگ را گوش کنیم و شما می‌توانید آنچه را که می‌خواهید و آنچه را که دوست داشته باشید را انتخاب کنید؛ نه از طریق آن، مهم این است که به دنبال خواندن، صوت و قاری باشید که بیش از سایر افراد بر شما تأثیر می‌گذارد.

### **علاقه جوانان به جهاد در راه خدا یک فرهنگ ایمانی قرآنی است.**

این باعث می‌شود تحت تأثیر این نوع خواندن قرار بگیرید و شما خود را می‌شناسید و ببینید تحت تأثیر چه کسی هستید، روحیه شما تحت تأثیر چه کسی است که با آن‌ها احساس آرامش بیشتری می‌کنید و به چه کسانی علاقه‌مند هستید که بشنوید، آنگاه انتخاب کنید.

این شنیدن‌ها و توجه داشتن نیز باید از طریق شب‌های قرآنی که امشب آغاز می‌کنیم، به عنوان یک سرآغاز در تمام مناطق لبنان تقویت شود؛ من از برادران و خواهران در تمامی شهرها، شهرک‌ها و روستاها می‌خواهم - البته درجایی که این‌گونه برنامه‌ها برگزار می‌شود - برادران به مسائل امنیتی و مشکلاتی که در جبهه جنوب و خط مقدم وجود دارد و در آن شب‌های قرآنی برگزار می‌شود توجه بیشتری داشته باشید؛ همچنین باید با این شب‌ها به عنوان یک فرصت و فعالیت ایمانی، دینی، عبادی، اخلاقی، معنوی، فرهنگی، فکری، بنیادی، جهادی و بخشی از احیای واقعی ماه خداوند متعال و کتاب مقدس او برخورد کنیم.

این ارتباط با قرآن کریم امروز سرچشمه اصلی ایمان و فرهنگ اسلامی و قرآنی ماست که امروز بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز داریم؛ ما بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز داریم و با این فرهنگ می‌توانیم با تمام سختی‌های زندگی، چالش‌ها و خطرات روبرو شویم و با آن‌ها مقابله کنیم و بر آن‌ها غلبه کنیم. امروز مثلاً موضوع شهدا مطرح است، موضوع شهدا، بحث علاقه جوانان به جهاد در راه خدا است، این یک فرهنگ ایمانی قرآنی است که این راه را تشویق می‌کند. این عشق به شهادت در بین رزمندگان و مجاهدین که وصیت‌نامه آن‌ها می‌خوانیم موج می‌زند و شهدای اخیر نبرد طوفان الاقصی در لبنان که وصیت‌نامه آن‌ها منتشر شده است کاملاً نمایان است همان‌طور که حضرت امام خمینی (ره) توصیه به خواندن وصیت‌نامه می‌کردند.

این‌ها جوانانی از میان خانواده‌های همین مردم عادی هستند؛ به سطح آگاهی، درک، فرهنگ بصیرت، عشق و اشتیاق آن‌ها نگاه کنید. بسیار خوب، این در مورد شهدا و همچنین خانواده شهدا از کتاب خداوند متعال و قرآن کریم بهره گرفته‌اند.

من از ابتدای این مسیر و هدف به یاد دارم که در خصوص شهدایمان می‌نوشتند: شهید سعید [سعادت‌مند] فلانی و فلانی - اکنون نمی‌دانم چرا دیگر این کار را نمی‌کنند و رها کرده‌اند - مثلاً می‌گفتند: شهید سعید شیخ راغب حرب؛ شهید سعید فلان و فلانی. عده‌ای و شاید یکی بیاید به شما شهید بگوید و به خانواده‌اش تسلیت بگویند، یا بگوید چگونه ممکن است شهید سعید باشد؟ این تعبیر را از کجا آورده‌اید؟ می‌گوییم آن را از قرآن کریم آورده‌ایم.

خداوند متعال می‌فرماید: «بسم الله الرحمن الرحيم، و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند و در شادی و سرور هستند.» وقتی این جوان‌ها با شهادت خود به جهان آخرت منتقل می‌شوند خوشحال و شادمان خواهند بود،



اول اینکه به سوی خدا حرکت می‌کنند، البته از خدا به سوی خدا می‌روند، زیرا تمامی دنیا هم از آن خداست و آن‌ها نزد خدا زنده هستند و خداوند به ایشان روزی می‌دهد.

### **شهادت و شهادت طلبی برای مؤمنان، مایه خوشحالی و شادمانی است.**

در اینجا روزی دادن به معنای غذا و نوشیدنی و مسائل مالی نیست، روزی از جانب خداوند به معنای واقعی کلمه یعنی همه چیز و این شهدا به آنچه خداوند از فضل خود به آن‌ها داده خوشحال می‌شوند و به این شادی مزده و بشارت می‌دهند، این جایگاه شهادت است.

بنابراین، آری شهدا و شهادت مایه خوشحالی است و برای شهدا مایه غم و بدبختی و اندوه نیست؛ در مورد خانواده شهدا هم البته از دست دادن عزیزان امری طبیعی است، چشم‌ها اشک می‌ریزد و دل‌ها غمگین می‌شود، اما این رضایت و تسلیم شدن به امر خداوند، این معرفت به خدا و عزیز آن‌ها که در پیشگاه خداوند قادر متعال است نشانه معرفت و شناخت واقعی خدای متعال است؛ بنابراین ما در آن‌ها این تسلیم شدن، این رضایت، این روحیه بالا و این غرور و سربلندی را می‌یابیم.

ما هر روز این را در غزه می‌بینیم، در کرانه باختری می‌بینیم، در لبنان، در یمن، در عراق و در ایران و در همه جا می‌بینیم که شهدا به شهادت می‌رسند و عروج می‌کنند و این همان فرهنگ قرآنی است.

بنابراین، شهدا در راه مقاومت و راه مؤمنان و مجاهدان با اشتیاق و حضور و قدرت و مقبولیت بر آن می‌افزایند. همچنین هنگامی که به سختی‌ها می‌رسیم، خداوند متعال در قرآن کریم به ما می‌فرماید: «و یقیناً شمارا با چیزی از ترس و گرسنگی و از بین رفتن مال و جان و محصولات [کشاورزی] آزمایش خواهیم کرد» و این اراده الهی اوست.

### **امروز بزرگ‌ترین آزمایش و آزمون الهی، وجود و استقرار این رژیم سرطانی غاصب و اشغالگر توسط شیاطین بزرگ و مستکبر جهان در فلسطین اشغالی است.**

برای تمامی مؤمنان، انبیاء الهی و پیروانشان در طول تاریخ و در مراحل مختلف آزمایش‌ها و آزمون‌های گوناگونی قرارداده شده است؛ خدای متعال آن‌ها را با فرعون، با نمرود، با ابولهب و ابوجهل‌ها و تمامی ستمگران و طاغوت‌های این دنیا آزمایش کرده و می‌کند.

امروز در امت اسلامی مایکی از بزرگ‌ترین بلاها و امتحانات و آزمون‌ها این است که امت ما به‌ویژه از سال ۱۹۴۸ میلادی تا به امروز با آن مواجه است و آن وجود و استقرار این رژیم سرطانی غاصب و اشغالگر توسط شیاطین بزرگ و مستکبر جهان در فلسطین اشغالی است.

زیرا از زمان تأسیس این رژیم تاکنون، منطقه ما در رنج است، مردم فلسطین رنج می‌برند، مردم منطقه ما رنج می‌برند، کشورهای منطقه ما رنج می‌برند، ملت ما با این آزمون رنج می‌برد، این یک امتحان و ابتلای الهی است.

حضور در این آزمون و این ابتلا مسئولیت ماست. و اتفاقاً حتی اگر با اسرائیل نجنگیم و با اسرائیل مقابله نکنیم و در مقابل اسرائیل مقاومت نکنیم، خواهید دید که صهیونیست‌ها از سال ۱۹۴۸ تا امروز چه کرده‌اند- مقاومت در برابر این رژیم و مقابله با این رژیم مسئولیت تمامی ماست.

این البته عواقب و پیامدهایی را دارد، کمبود در مال و ثروت، خانه‌های ما می‌سوزد و ویران می‌شود، معیشت ما را از بین می‌برد، مزارع ما آتش می‌گیرد، انسان‌هایی شهید و مجروح می‌شوند، آواره شدن وجود دارد، رنج‌ها و سختی‌ها هستند، دردها هستند، این یکی از الزامات این امتحان و این آزمون و این ابتلا است.



بسیار خوب، چه چیزی لازم است؟ پیروزی و موفقیت از کیست؟ و پیروزی برای کیست؟ صابران را در دنیا و آخرت به چه چیزی بشارت می‌دهد؟ آنچه لازم است صبر است، صبر چیزی نیست که مردم آن را کاملاً بفهمند و این یک مفهوم سلبی آن است.

صبر به معنای پایداری، استقامت، توانایی بسیار زیاد برای تحمل فشارها، مشکلات، دردها، مجروح شدن‌ها، از دست دادن عزیزان و از دست دادن دارایی‌ها و ثروت و بروز خطرات برای آن‌هاست، این معنای صبر [حقیقی] است؛ اگر این‌ها از مصادیق صبر نبود، خداوند این مقام و منزلت را به صابران نمی‌داد.

و صابران را بشارت ده که چون مصیبتی به آن‌ها می‌رسد می‌گویند: - این سلاح مؤمنان در تمامی آزمایش‌ها است - می‌گویند: ما از خدا هستیم و به سوی او بازمی‌گردیم؛ خودمان، دارایی‌هایمان، فرزندانمان و همه چیز ما در اختیار خداست؛ وقتی آن‌ها را از دست می‌دهیم، خدا آن‌ها را برمی‌گرداند، خدا می‌دهد و خدا می‌گیرد.

همه به سوی او بازمی‌گردیم و این به ما نیرو و استقامت و صلابت می‌دهد، این‌ها برکاتی است از جانب پروردگارشان و رحمت اوست و آنان‌اند که هدایت یافته‌اند.

برادران، صلوات [دعا کردن خدا] برای بندگان یا بر بندگان، ادای احترام به بندگان است، این بندگان که در اسرائیل، در فلسطین، در لبنان و در تمامی منطقه امتحان می‌شوند، کسانی که امتحان می‌شوند، این‌ها از صابران هستند و مستحق تکریم و افتخار خداوند متعال هستند و بر آنان صلوات پروردگارشان و رحمت او و مقام والای او نزد خداوند منزه است و رحمت او بر بندگان یا کسانی که به آن‌ها اعتماد دارند و هدایت به خیروبرکت بر آنان است.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»<sup>۱</sup>

کافی است وظیفه و کار و تلاش خود را انجام دهیم، صبر و استقامت داشته باشیم و به خدا اعتماد کنیم و بر خدا توکل کنیم و برای این افراد، خداوند متعال آن‌ها را رحمت می‌کند، گشایش می‌کند، هدایتشان می‌کند، پیروزشان می‌کند، راه گشایش برایشان می‌گشاید و از جایی که انتظار ندارد روزی‌شان می‌دهد.

## غزه همچنان شجاعانه مقاومت می‌کند، با سرسختی می‌جنگد و ایستادگی می‌کند.

امروز با این روحیه، امروز با این نبرد روبرو هستیم و این نبرد جدیدی نیست، این نبرد گسترده‌ای است که پیش از سال ۱۹۴۸ میلادی و از زمان تأسیس این رژیم، ادامه داشته است.

مقداری از تحولات و اتفاقات صحبت می‌کنیم و ان شاء الله نتیجه‌گیری خواهیم کرد. ما وارد ششمین ماه از نبردهای جاری در غزه و همچنین نبردهای جبهه‌های پشتیبانی در لبنان، یمن و عراق شده‌ایم.

غزه همچنان شجاعانه مقاومت می‌کند، با سرسختی می‌جنگد و ایستادگی می‌کند، رزمندگان، نیروهای مقاومت، گروه‌هایش و همچنین مردمش، مردانش، زنانش، کودکانش با صلابت ایستاده‌اند؛ این استواری به معجزه نزدیک‌تر است چراکه طبق معادلات طبیعی و عادی،

۱- و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است. (آیات ۲ و ۳ سوره مبارکه طلاق)



اسرائیل با ارتش و توانمندی‌های خیره‌کننده، با تمام نیروهای ذخیره، پشتیبانی عظیم آمریکا و میدان نبرد گشوده شده همچنان در ماه ششم غزه درحالی‌که ۴۰۰ کیلومتر آن محاصره شده و مشکلاتی را برایشان ایجاد کرده است، همچنان می‌جنگد و این بیشتر شبیه معجزه است. این صبری که از مردم، از مجاهدین، از کودکان و از زنان می‌بینیم، دنیا را شگفت‌زده کرده و خیلی‌ها را در دنیا متعجب کرده است: این‌ها چگونه فکر می‌کنند؟ فرهنگ آن‌ها چیست؟ این فرهنگ قرآن است؛ این فرهنگ صبر و توکل، اعتماد و توکل بر خدای متعال است.

به‌هرحال آنچه امروز به‌ویژه در غزه می‌گذرد، درس بزرگی برای تمامی مردم و تمامی مردم جهان و اتمام حجت الهی بر تمامی مردم جهان است. علاوه بر فداکاری‌های بزرگ، ما باید همواره بر دستاوردهای بزرگی که طوفان الاقصی و پیامدهای آن‌که از هفتم اکتبر تا امروز به‌دست آمده است، تأکید کنیم.

### **به نتانیاهو می‌گوییم: حتی اگر به رفح بروید، در جنگ شکست خواهید خورد.**

دستاوردهای راهبردی که بر اصل وجود این رژیم، بقای این رژیم، آینده این رژیم و توانمندی‌های این رژیم تأثیر می‌گذارد و در سخنرانی‌های قبلی به آن‌ها اشاره کردم، بنابراین دوباره تکرار نمی‌کنم. جدای از موضوع تاکتیکی که گاهی فرازوفرود و کاهش دارد، اما وقتی به سمت نگاه راهبردی می‌رویم، حتی کارشناسان برجسته دشمن هم به خسارات راهبردی که در سخنرانی‌های قبلی بدان اشاره شد و دیگران درباره آن صحبت می‌کنند، اذعان دارند.

امروز در ماه ششم نتانیاهو می‌گوید: که اگر به رفح برویم و حمله نکنیم جنگ را باخته‌ایم؛ و من به او می‌گوییم: حتی اگر به رفح بروید، در جنگ شکست خواهید خورد؛ چراکه پس از پنج ماه جنگیدن نتوانست برای تمامی اهدافی که اعلام کرده بود صحنه پیروزی یا تصویری از پیروزی ارائه دهد. از میان تمام اهدافی که اعلام کرد به یک هدف هم نرسید و زمانی که چندی پیش صحبت از پیروزی مطلق و کامل را آغاز کرد سخت در اشتباه بود و بسیاری از دشمنان با او بحث کردند که این اقدامی دست‌نیافتنی است.

### **باوجود تمامی این کشتارها، ویرانی‌ها، خیل عظیم شهدا، مجروحان، تلفات، محاصره و گرسنگی، مردم غزه همچنان مقاومت را در آغوش می‌کشند.**

امروز حتی آمریکایی‌ها، حتی اروپایی‌ها، حتی بخشی از اسرائیلی‌ها به نتانیاهو و افراط‌گرایان همراهش می‌گویند: شما نمی‌توانید مقاومت در غزه را از بین ببرید، نمی‌توانید حماس و جهاد اسلامی را از بین ببرید، شما نمی‌توانید پس از پنج ماه، شش ماه و باوجود تمامی این کشتارها، اگر امیدوارید که مردم غزه تسلیم شما شوند و پرچم‌های سفید بلند کنند هرگز نمی‌توانید، اگر می‌خواستند تسلیم بشوند از همان ابتدا تسلیم می‌شدند.

در مقابل تمامی این کشتارها، ویرانی‌ها، خیل عظیم شهدا، مجروحان، تلفات، محاصره و گرسنگی، مردم غزه همچنان مقاومت را در آغوش می‌کشند بازی با داستان قبیله‌ها و خانواده‌هاست.

متأسفانه علی‌رغم بازی کردن با عشایر و خانواده‌های ساکن در آنجا [غزه]، برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای عربی نقش‌های بد، بدخواهانه، خبیثانه، تفرقه‌افکنانه، فتنه‌گرانه ایفا می‌کنند و سؤالات نادرستی را مطرح می‌کنند، اما نتوانسته‌اند به انسجام، استحکام، استواری و ایستادگی وضعیت غزه دست یابند و بر آن تأثیر بگذارند.



برادران به شما می‌گویم یکی از نشانه‌های پیروزی مقاومت و یکی از نشانه‌های شکست دشمن این است که از اولین هدفی که دشمن اعلام کرد و از همان روزهای اول که اسرائیل دیوانه شد و شروع به تخریب ساختمان‌ها و کشتار کسانی که درونشان بودند، در مقابل چشمان دنیا، نه فقط سکوت دنیا، انجام شد که حمایت دنیا، آمریکا و اروپا را با خود به همراه داشتند.

### **امروز مقاومت قوی، حاضر، استوار، در موضع پیروزی و در موضع قدرت است.**

اولین و بزرگ‌ترین هدفی که اعلام کردند چه بود؟ حماس را از بین ببریم؟ بسیار خوب، امروز در ماه ششم هستیم، با چه کسانی مذاکره می‌کنید؟ حماس. در ماه ششم با چه کسی مذاکره خواهید کرد؟ حماس. قطری‌ها و مصری‌ها، با هرکسی که به نمایندگی یا از طریق میانجیگری آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها با حماس می‌نشینند و مذاکره می‌کنند.

حماس به نمایندگی از تمامی گروه‌های فلسطینی مذاکره می‌کند، بلکه به شما می‌گویم: از سوی تمامی محور مقاومت و تمام جبهه‌های مقاومت مذاکره می‌کند، امروز این همان حماس است که مذاکره می‌کند، یعنی مقاومت قوی، حاضر، استوار، در موضع پیروزی و در موضع قدرت است، حتی بیشتر از آن در حال مذاکره است نه از موضع ضعف. می‌گوید: بله و خیر، امتناع می‌کند و شرایطی را که در مذاکرات اخیر انجام شده است را تعیین می‌کند.

### **اسرائیلی‌ها می‌گویند: کسی که مانع رسیدن مذاکرات به نتیجه می‌شود خود نتانیا هو است.**

در مذاکرات اخیر... برای نشان دادن ریاکاری و فریب آمریکا که در سخنرانی‌های قبلی بسیار درباره آن صحبت کرده‌ایم، باید چیزی را هم بگویم... آمریکایی‌ها چه گفتند؟ آن‌ها گفتند که ما راه‌حلی را در چارچوب حل و فصل برای حل آتش‌بس از طریق آتش‌بس ۴۵ روزه پیشنهاد کرده‌ایم و نتانیا هو پاسخ داد، اما توپ در زمین حماس است.

البته این یک دروغ محض است، یک دروغ محض است. ببینید اسرائیلی‌ها چه می‌گویند؟ اسرائیلی‌ها می‌گویند این دروغ است و کسی که مانع رسیدن مذاکرات به نتیجه می‌شود خود نتانیا هو است؛ بسیار خوب، هدف از این صحبت‌های آمریکایی‌ها این است که نتانیا هو را از جنایت تبرئه کنند و بگویند: ما آمریکایی‌ها تلاش می‌کنیم بین مردم غزه و حماس شکاف بیندازیم؛ مردم می‌پرسند برادران حماس، شما چه کار می‌کنید؟ چرا قبول نمی‌کنید؟ چرا جواب نمی‌دهید؟ چرا مذاکرات را سخت می‌کنید؟

این جمله که شاید خیلی‌ها به آن اشاره کرده‌اند این است که «به خدا، بایدن یا بلینکن گفته‌اند: تلاش‌هایی وجود دارد و ابتکار عمل روی میز است و نتانیا هو هم پاسخگو بود، اما حماس کار را پیچیده کرده و توپ در زمین حماس است. دو و سه سطر بیشتر نمانده است»؛ اما بدخواهی، پستی، فریب، خباثت، فریب‌کاری و گمراه کردن و تزویر آن‌ها را نشان می‌دهند؛ اما حقیقت موضوع برخلاف گفته آن‌هاست.

امروز تمامی گروه‌های مقاومت فلسطینی جمع شده‌اند و همان‌طور که گفتم حماس به نمایندگی از همه آن‌ها مذاکره می‌کند، همه جمع شده‌اند و من معتقدم که اراده مردم غزه نیز برای توقف تجاوز همان چیزی است که ما می‌خواهیم؛ ما در مورد آتش‌بس موقت، یک، دو و یا سه هفته‌ای صحبت نمی‌کنیم.



## هدف واقعی مذاکرات، متوقف کردن تجاوز و حملات است.

چند وقت پیش آتش بس موقت برقرار شد، سپس قتل عام و کشتار و تخریب ساختمان و امثال آن و کشتار گسترده و گرسنگی بازگشت و محاصره ادامه یافت. بسیار خوب، این نبرد همچنان برقرار است و ادامه دارد و مقاومت مجموعه‌ای از عناصر قدرت را در اختیار دارد که شامل همه اسراء می‌شود؛ بنابراین بگذارید هدف واقعی مذاکرات، متوقف کردن تجاوز باشد و این امری عقلانی، اخلاقی، انسانی، شرعی و برادرانه است و تمامی منطق با آن همراه است و حماس بر این امر اصرار دارد. چرا از توقف تجاوز خودداری می‌کنید؟ اگر انتقام گرفتن لازم است، آیا انتقام گرفتن از بیش از ۳۲ هزار شهید، ۷ هزار مفقود و ۷۰ هزار مجروح کافی نیست؟! به خدا شما ۱۰۰۰ کشته دارید، ۱۲۰۰ کشته، پس از این همه ویرانی و این کشتارهای هولناک، آن‌ها مصمم به ادامه جنگ هستند. شرط دیگری که مقاومت بر آن اصرار دارد، خروج دشمن از نوار غزه است. شرط مهم دیگر: بازگشت مردم شمال غزه به شمال غزه و نتانیاهو می‌گوید بازگشت تدریجی است و فقط زنان و کودکان و سالمندان را برمی‌گرداند؛ چه انسانی، چه عقلی، چه منطقی و چه دینی به مقاومت اجازه می‌دهد که چنین سکونتگاهی را بپذیرد که در آن خانواده‌ها از هم پاشیده شوند و زمانی که به شمال غزه بازگردند، بیشترین چیزی که نیاز دارند آن است که از آن‌ها حمایت و پشتیبانی کنند.

## مسئله این است که این تجاوز، این کشتار و این نسل‌کشی تمام می‌شود و ان شاء الله به این هدف می‌رسد.

بنابراین تا زمانی که این گردوغبار بالا نرود، بحث فقط تبادل اسرا با زندانی‌ها نیست؛ امروز موضوع موضع مقاومت در غزه است که بر توقف نهایی تهاجم پافشاری می‌کند که موضع انسانی، اخلاقی، جهادی، عالی، شرافتمندانه و صد درصد صحیح است و ما در این موضع با آنان همراه هستیم. ممکن است که تعدادشان زیاد باشد، حتی در لبنان یا خارج از لبنان، برادر من، ما آتش بس می‌خواهیم، حتی اگر موقتی باشد تا «نفسی هم بکشیم». در اینجا بحث نفس کشیدن و تنفس برای چند روز نیست، مسئله این است که این تجاوز، این کشتار و این نسل‌کشی تمام می‌شود و ان شاء الله به این هدف می‌رسد.

بنابراین، ما نیز از جبهه پشتیبانی و حمایت لبنانی خود تأکید می‌کنیم که در کنار برادران خود در مقاومت فلسطین، با تمامی شاخه‌ها و گروه‌های مقاومت، با همه مردم غزه و ساکنان غزه، به ویژه با رهبری حماس، ایستاده‌ایم. مذاکره از طرف همه است و ما به آن‌ها می‌گوییم: این شروط به حق، طبیعی و انسانی است و هرچه بخواهید تصمیم با شماست؛ جبهه‌های پشتیبانی بدون توجه به پیامدها، جان‌فشانی‌ها و زمانی که این امر خواهد برد، در موضع حمایت خواهند بود. البته برای تأکید بر ریاکاری و فریب آمریکایی‌ها باید به بازی کمک‌های آسمانی و بندری توجه کنیم، البته ممکن است بعدها اهداف ایجاد بندرگاه دریایی پدیدار شود، اما چه کسی معتقد است که بایدن نتواند جلوی جنگ غزه را بگیرد؟ چه کسی؟! من فکر نمی‌کنم کسی روی کره زمین باشد که معتقد باشد بایدن نمی‌تواند جنگ در غزه را متوقف کند.

## داستان انداختن مقداری غذا [برای مردم غزه] برای خنداندن دنیاست.

اکنون «با یک چرخش قلم» وقتی ارسال مهمات و موشک و بمب برای اسرائیل متوقف شود، جنگ نیز متوقف می‌شود، زیرا موشکی برای زدن نخواهد داشت! نه برای غزه و نه برای لبنان.



«با یک چرخش قلم» می‌تواند به شورای امنیت برود (و موضوع را خاتمه دهد)، چه کسی از حق و تو استفاده می‌کند؟ او [اسرائیل] ملزم به رأی موافق برای صدور قطعنامه نیست، اما حق و تو ندارد. (اگر قطعنامه بین‌المللی (توسط شورای امنیت) صادر شود، تمام دنیا در مقابل اسرائیل خواهد ایستاد و او را مجبور به توقف جنگ خواهند کرد.

این داستان انداختن مقداری غذا [برای مردم غزه] برای خنداندن دنیاست؛ این فقط ریاکاری و نفاق آمریکا نیست، این یک حماقت آمریکایی است، این یک دولت احمق، احمق و احمق است؛ اگر تصور کند با ارسال مقداری مواد غذایی از آسمان می‌تواند مردم فلسطین را متقاعد می‌کند، یا مردم عرب را متقاعد می‌کند، یا آزادگان جهان را متقاعد می‌کند، یا کسانی را که در آمریکا در مورد مسلمانان، عرب‌ها و آمریکایی‌های غیرمسلمان و مسیحیان و دیگرانی که در مورد سیاست بایدن در قبال غزه موضع دارند، متقاعد خواهند شد و یا این که موضع آن‌ها را تغییر می‌دهد اشتباه می‌کند، این حماقت است، آنچه از دولت آمریکا خواسته می‌شود، توقف جنگ و توقف تجاوزهاست.

سخن آخر در مورد جبهه ما و جبهه‌های پشتیبانی ماست، البته جبهه‌های پشتیبانی ادامه دارد و همه به وظیفه خود و نقشی که از آن‌ها می‌خواهند به نحو شایسته‌ای انجام می‌دهند. ماشاءالله جبهه یمن، به خواست خدا، نه آمریکایی‌ها، نه ناوگان آمریکایی، نه هواپیماهای آمریکایی و نه هواپیمای انگلیسی و نه هیچ‌یک از اروپایی‌هایی که اکنون به آن‌ها پیوسته‌اند، نتوانسته‌اند باوجود انجام حملات روزانه که در بسیاری از نقاط یمن تکرار شد از ادامه حملات برادران مجاهد و رزمنده در یمن به کشتی‌ها یا کشتی‌های اسرائیلی که به سمت فلسطین اشغالی می‌رفتند جلوگیری کنند.

### **این جبهه [پشتیبانی] وظیفه خود را در اعمال فشار انسانی، مادی و اقتصادی بر دشمن انجام می‌دهد و نقش خود را در این نبرد به‌طور کامل ایفا می‌کند.**

این موضع، این اصرار که در یمن از استقبال گسترده مردمی برخوردار است، تأثیرات و برکات بسیار زیادی در این نبرد و به‌ویژه بر اقتصاد اسرائیل که شروع به لرزیدن کرده و تحت تأثیر قرار گرفته است، دارد و آمارها و مطالعات این را تأیید می‌کند.

مقاومت اسلامی در عراق به شلیک پهپادها و موشک به سمت اهداف موردنظر در این رژیم ادامه می‌دهد و این نیز موضوعی است که ادامه دارد.

به جبهه لبنانی خودمان می‌آیم، دو جمله می‌خواهم بگویم، البته در جبهه لبنان، بخصوص در هفته‌های اخیر، خشم دشمن و خشم شهرک‌نشینان افزایش یافته است، عصبانیت شهرک‌نشینان افزایش یافته و فریادشان بلند است؛ امروز به‌ویژه در هفته‌های اخیر تداوم و گستردگی عملیات مقاومت در لبنان تشدید پیدا کرده است.

این جبهه وظیفه خود را در اعمال فشار انسانی، مادی و اقتصادی بر دشمن انجام می‌دهد و نقش خود را در این نبرد به‌طور کامل ایفا می‌کند. البته ما در لبنان هنوز بحث و گفتگو داریم و این طبیعی است، منظورم این است که ما از این موضوع غافلگیر نمی‌شویم، زیرا یک امر طبیعی است و ما نیز با آن به عنوان موضوع طبیعی برخورد می‌کنیم.

این روزها مطلبی پخش می‌شود. امیدوارم متن کامل آن را ارائه دهید. سخنرانی حضرت امام سید موسی صدر (خداوند ایشان را به سلامت بازگرداند) است که در روز عاشورا و در ژانویه سال ۱۹۷۵ میلادی ایراد کردند؛ او البته از درد و رنج مردم فلسطین، مقاومت فلسطین و جنگی که با اسرائیلی‌ها در جریان بود



صحبت می‌کند و آنچه در فلسطین می‌گذرد را به کربلای امام حسین (علیه السلام) تشبیه می‌کند. ایشان چه کسی است؟ ایشان حضرت امام سید موسی صدر در آن زمان است. قسمتی که می‌خواهم بخوانم طولانی است، آن زمان ایران امروز در سال ۱۹۷۵ وجود نداشت، جمهوری اسلامی نبود، ایران زمان شاه و متحد اسرائیل بود؛ زیرا الآن و همیشه یک لحن وجود دارد که «ایران به آن‌ها گفته است که این جبهه را بازکنید» و «ایران می‌گوید جبهه را ببندید» و «ایران به آن‌ها می‌گوید درگیری‌ها را تشدید کنید» و ایران به آن‌ها می‌گوید... فرهنگ ما این است. این است دین ما، این است وابستگی ما و این است تاریخ ما.

## **سرنوشت ما، دین ما، هدف ما و نبرد ما یکی است، اسرائیل هم دشمن مشترک ماست.**

بسیار خوب، در سال ۱۹۷۵ میلادی حضرت امام سید موسی صدر را دیدند که چه فرمودند؟ و چه کسی باید پاسخ دهد؟ چه کسی باید بگوید رابطه ما با فلسطین چگونه است؟ ارتباط ما با فلسطینی‌ها چگونه است؟ ارتباط ما با مردم فلسطین چیست؟ زیرا در آن زمان جنوب [لبنان] در سال ۱۹۷۵ بمباران شد، خانه‌ها ویران شد و مردم آواره شدند.

کسانی که دهه هفتاد [میلادی] و آن دوره را گذرانده‌اند به خاطر می‌آورند؛ امام صدر می‌فرماید: این سرنوشت شماست، نمی‌دانید چقدر توانسته‌اید، می‌آید و به شما می‌گوید: که این فلسطینی‌ها هستند که شمارا درگیر کرده‌اند، یعنی فلسطینی‌ها. امام موسی صدر می‌فرماید: «وظیفه من مردن برای بیت المقدس است نه فلسطینی‌ها، من موسی صدر هستم، این وظیفه من است که برای بیت المقدس بمیرم نه فلسطینی‌ها، مسئولیت من برای محافظت از سرزمین مقدس همین است، حتی اگر لبنانی باشم.»

وظیفه بهترین فلسطینی‌هایی که این مسئولیت‌ها را برعهده گرفته‌اند بزرگ‌تر است، این وظیفه ماست، وظیفه هر مسلمان، وظیفه هر مسیحی و وظیفه هر انسانی است. شما فکر کرده‌اید که ما فریب این مرزهایی را که تعیین کرده‌اند (منظور مرزهای لبنان و فلسطین است) را می‌خوریم؛ سرنوشت ما یکی است، دین ما یکی است، هدف ما یکی است، نبرد ما یکی است، اسرائیل هم دشمن مشترک ماست، اسرائیل مانند قصابی که امروز گوسفندی را می‌برد و گوسفندان دیگر خوشحال‌اند که خدا را شکر او پیش آن‌ها نیامده، اما فردا خواهد آمد.

این مربوط به سال ۱۹۷۵ میلادی است، جمهوری اسلامی در ایران وجود نداشت، این امام مقاومت و امام شیعیان لبنان است، حالا می‌خواهد این نکته را بگوید که این یک موضع خاص شیعه است؟ خیر، این فرهنگ ماست و این راه ماست.

به هر حال در این جبهه یا هر از چند گاهی و در دوره اخیر، در هفته‌های اخیر صحبت‌های زیادی شده است، یعنی همه‌ای صورت گرفته است، من معمولاً همه رسانه‌ها، اظهارات احزاب و سیاستمداران، نویسندگان و سایت‌های شبکه‌های اجتماعی را رصد می‌کنم. آن‌ها دوباره همه و شبیه کرده‌اند تا بگویند هر کاری که در جبهه جنوب انجام می‌دهید هیچ سود و فایده‌ای ندارد.

آن‌ها هیچ کاری نکرده‌اند، چیزی ارائه نکرده‌اند، هیچ چیزی را به تأخیر نینداخته‌اند و هیچ کمکی به غزه نکرده‌اند و مشخص است که این مطالب توسط برخی احزاب شناخته شده لبنان بوده و آن‌ها روی آن کار کرده‌اند، کنفرانس‌های مطبوعاتی و مصاحبه‌های تلویزیونی برگزار کرده و مقاله می‌نویسند و الی آخر.



البته نظر من را الآن می‌دانید که من نمی‌خواهم برای متقاعد کردن این افراد صحبت کنم، آن‌ها اصلاً قانع نمی‌شوند، گوش نمی‌دهند، یعنی ممکن است وقت ندهند که گوش کنند؛ آن‌ها نه می‌شنوند و نه می‌خوانند که من چه می‌گویم یا شخص دیگری مانند من چه می‌گوید.  
اما باز این را به اختصار می‌گویم تا ایمان آورندگان بر ایمانشان افزوده شود و اگر کسانی هستند که به خاطر این سیل اطلاعات نادرست افکار عمومی آن‌ها را متأثر و سردرگم کرده، ما وظیفه خود را انجام داده‌ایم و با دلیل و منطق و آمار به او شرح و توضیح دهیم. آنچه گفته می‌شود گمراه‌کننده و فریبنده است و اصلاً صحت ندارد.

## در اسرائیل و رسانه‌های اسرائیل، در خصوص خسارات جانی و مادی در جبهه شمالی مخفی‌کاری شدید وجود دارد.

از کجا می‌خواهم شروع کنم؟ می‌خواهم بگویم: ای کاش این‌ها و دیگران به سخنان مقامات اسرائیلی گوش می‌دادند و مقامات اسرائیلی را می‌دیدند، خواه وزرا، ژنرال‌ها، ژنرال‌های سابق، نخست‌وزیران سابق، سران احزاب، تحلیل‌گران یا ناظران باشند. آن‌ها چه می‌گویند؟ در این نبرد چه می‌گذرد و به خصوص در جبهه شمالی چه می‌گذرد؟

درواقع کسانی که در این مدت صحبت کرده‌اند، مطمئنم نخوانده‌اند، نشنیده‌اند، مطالعه نکرده‌اند و بحث نکرده‌اند، آن‌ها پیشاپیش موضعی گرفته‌اند که برای تحقیر کردن است و به همین دلیل است که این‌گونه گفته‌اند؛ من می‌خواهم از اسرائیلی شواهدی ارائه نمایم.

من نظرم را نمی‌گویم، بلکه همان چیزی را می‌گویم که اسرائیلی‌ها بدان اعتراف کرده‌اند و البته ما در جبهه شمالی آن را دنبال می‌کنیم؛ بسیار روشن است که تمامی اسرائیل و رسانه‌های اسرائیل و همچنین رسانه‌های منطقه می‌دانند که در مورد وجود خسارات جانی و مادی در جبهه شمالی مخفی‌کاری شدید وجود دارد.

چند تانک را دیده‌اید؟ آیا آن‌ها به منهدم شدن یک تانک اعتراف کرده‌اند؟ به انهدام چند خودروی زرهی، کشته و زخمی اعتراف کرده‌اند؟ تا الآن از ۸، ۹، ۱۰ نفر کشته سخن می‌گویند، البته او در مورد غیرنظامیان صحبت می‌کند، اما در مورد نظامیان هرگز. از پنج ماه پیش تا امروز، نه سربازی کشته شده و نه سربازی مجروح شده است! البته این‌ها به دلیل پنهان‌کاری [دشمن] است؛ اما در سخنی از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) بدین مضمون می‌فرماید: «انسان چیزی را پنهان نمی‌کند مگر اینکه در لغزش‌های زبان و چهره‌اش آشکار شود.»

البته در دو هفته گذشته، وزیر جنگ اسرائیل برای اینکه چرا دوباره به نظامیان نیاز دارد، توجیه می‌خواست؛ او نیروهای ذخیره و خدمت اجباری درخواست کرده است. رئیس ستاد مشترک ارتش هم همین را گفته است. سبحان‌الله، هر دو یک جمله را به کار برده‌اند. ممکن است این حرف آن‌ها با کمی اضافه یا تفاوت بیان شده باشد؛ اما جمله همان است که وزیر جنگ و رئیس ستاد ارتش اسرائیل گفته‌اند. ارتش در دو موقعیت مختلف قرار دارد: سربازان ما در جبهه غزه و در جبهه‌های دیگری جنگند و در شمال متحمل هزینه‌های گزاف می‌شوند.

آیا برخی از رهبران احزاب در لبنان و برخی دیگر این اظهارات را شنیده‌اند یا هرگز نشنیده‌اند؟ او فقط در مورد جبهه غزه نگفته است، گفت: نظامیان ما در جبهه غزه و در جبهه شمالی می‌جنگند و هزینه‌های سنگینی را متحمل می‌شوند و بدان اعتراف کرده است.

اکنون به ارتش اسرائیل می‌پردازیم؛ ارتش اسرائیل امروز، ارتشی خسته، ارتشی فرسوده در تمامی جبهه‌هاست. ما این تصویر را کم ارائه می‌کنیم، نه فقط برای اینکه ببینیم اینجا یک شهید است،



اینجا خانه‌ای ویران است، اینجا یورش صورت گرفته است و در غزه گرسنگی است، این بخشی از این صحنه است.

اجازه بدهید قسمت دوم را ببینیم؛ اول این که تعداد کشته‌ها و زخمی‌های اسرائیلی در ارتش اسرائیل بسیار زیاد است و بیمارستان‌ها، مطبوعات اسرائیل و رسانه‌های آن‌ها در این خصوص اتفاق نظر دارد که این تعداد بسیار بیشتر از آن چیزی است که ارتش اسرائیل اعلام می‌کند؛ یکی از آن‌ها سه بار به شما می‌گوید و دیگری پنج بار به شما می‌گوید.

شواهد ارائه می‌کنیم، امروز رئیس ستاد یا وزیر جنگ می‌آید و می‌گوید: ما مجبوریم نیروی نظامی جذب کنیم، ۷۵۰۰ افسر جدید و ۷۰۰۰ سرباز می‌خواهیم؛ این افراد به خدمت آمده‌اند و ذخیره نیستند و استخدام دائمی می‌شوند و وزیر دارایی می‌رود و در اینجا وضعیت مالی و اقتصادی را بررسی می‌کند.

به او می‌گویند: من می‌توانم ۲۰۰۰ نفر را به خدمت شما در بیاورم و نمی‌توانم ۱۴۵۰۰ نفر را برای شما فراهم کنم، پس این چه ارتشی است که نمی‌تواند با ارتش‌های عربی بجنگد؟ بلکه این گروه‌های مقاومت، حماس، جهاد اسلامی و سایر شاخه‌ها در غزه و در لبنان حزب الله با آن‌ها می‌جنگند و گاهی اوقات برادرانمان در جنبش امل، گروه‌های اسلامی، گردان‌های القسام و گردان‌های قدس با ایشان روبرو می‌شوند.

با توجه به حساسیت لبنان، برادران ما در حزب ملی، تیپ‌ها و غیره، مردمی که در لبنان می‌جنگند، آن‌ها با یک ارتش نمی‌جنگند؛ ارتش بزرگ اسرائیل پس از پنج ماه کمبود افسر و کمبود سرباز دارد و ۷۵۰۰ افسر و ۷۰۰۰ سرباز می‌خواهد و همچنین می‌خواهد نیروهای خریدیم را جذب کند.

این‌ها خریدیم‌هایی هستند که بسیار مذهبی و یهودی شرقی هستند و معتقدند نقش و کارشان خواندن و مطالعه تحولات است زیرا نشسته‌اند و حقوق خود را از دولت می‌گیرند و به خدمت اجباری نمی‌روند و این معامله در زمان بن گوریون اتفاق افتاد و داستان طولانی دارد.

هم‌اکنون مشکل بزرگی در جامعه این رژیم به وجود می‌آید و دیدید وقتی گفت: می‌خواهیم خریدیم‌ها به خدمت اجباری بیاوریم، خاخامشان بیرون آمد و گفت: اگر بخواهید ما را به خدمت سربازی ببرید، همه ما اسرائیل را ترک خواهیم کرد.

این بسیار عالی و باعث خشنودی است، این خبر خوبی است. در اصل این آینده اسرائیل است که این خاخام خریدیم گفته است؛ این آینده اسرائیل است و واقعیت همین است که مردم چمدان‌های خود را می‌بندند و می‌روند، این همان آینده آن‌هاست.

## **ارتش رژیم صهیونیستی خسته، فرسوده و شکست خورده است.**

بعد به آن‌ها چه می‌گوید؟ اگر ما را به خدمت سربازی ببرید، ما می‌رویم و این‌ها یک گروه بسیار بزرگ از یهودیان هستند و این موضوع منجر به یک چالش طولانی و گسترده ملی شده است. چرا وزیر جنگ در این زمان مجبور است این مشکل را باز کند؟ زیرا مشکل نفرات دارند، با نظامیان مشکل دارند و با سربازها و افسران مشکل دارند، می‌گوید: اگر خریدیم‌ها به خدمت سربازی بیایند، ۱۰۵ گردان دیگر داریم و آن‌ها به این گردان‌ها نیاز دارند.

به جبهه لبنان بازمی‌گردیم. می‌شنوید که رسانه‌های اسرائیلی به شما می‌گویند: که سه تیپ در خان یونس می‌جنگند، آن‌ها خسته، ازپاافتاده و فرسوده شده‌اند و باید آن‌ها را از میدان خارج کنند. نتانیاهو نشسته و خروپف می‌کند؛ او می‌خواهد به رفح برود. رئیس ستاد به او چه می‌گوید؟



نیروهای ذخیره‌ای را که از خدمت خارج کرده‌ایم را فرامی‌خوانیم. البته این یک مشکل بزرگ در جامعه اسرائیل است، بازگشت به احضار مجدد نیروهای ذخیره، او می‌خواهد به رفح، شهری کوچک‌تر از شهرهای دیگری که وارد شده‌اند برود، اما معتقد است که تیپ‌های موجود در حال حاضر آمادگی لازم را برای وارد شدن به شهر رفح ندارند.

این وضعیت ارتش اسرائیل است، وقتی به جبهه می‌آییم، ای برادران! کسانی که نشسته‌اید، صد هزار سرباز نشسته‌اند؛ از دریا تا کوه شیخ علی در منطقه مرزی، شبانه‌روز در برف و سرما و جنگل از ترس نفوذ گروه‌های مقاومت از لبنان مجبورند از تمامی مرزها و پشت خطوط مراقبت کنند.

آیا این به معنای فرسودگی این ارتش نیست؟ آن‌ها قادر به عقب‌نشینی هیچ‌یک از این یک صد هزار نفر نیستند و حتی تیپ گولانی را از غزه به منطقه شمال آورده است؛ اگر کاری که ما در جنوب انجام می‌دهیم فایده‌ای نداشته باشد یعنی آن‌طور که شما (یعنی مخالفان گشایش جبهه) می‌خواهید از آن دست برداریم. دشمن صرفاً به داشتن نیروهای پلیس و شبه‌نظامیان در شهرک‌هایش اکتفا می‌کرد.

زیرا تمامی این ساکنان شهرک‌ها شبه‌نظامیان مسلح هستند و آن‌ها ارتش را به غزه می‌برند و نه مجبور است با (حریدم ها) مشکل ایجاد کند و نه مجبور است نیروهای داوطلب بیاورد یا دوباره نیروهای ذخیره را فراخواند و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و روانی یا هر چیز دیگری را برای جامعه خود به وجود آورد؛ بنابراین بدون ارائه اعداد و ارقام به خسارات سنگین جبهه شمالی اعتراف می‌کند و این حق اوست.

ببینید امروز در جبهه ما اتفاقات تاکتیکی می‌افتد؛ آن‌ها حق دارند محتاط باشند و ما حق داریم احتیاط کنیم، منظورم این است که مثلاً وقتی دیروز یا دو روز گذشته به ساختمانی نزدیک بعلبک حمله شد، رسانه‌های اسرائیلی گفتند: این ساختمان متعلق به نیروی هوایی بود و هواپیماهای منحصربه‌فردی داشتند و اسلحه داشتند و انباری از مهمات داشتند و ما آن را منهدم و محو کردیم؛ آن‌ها خیلی از خودشان راضی بودند و ما سکوت کردیم؛ آیا لازم است برای تأیید صحت یا عدم صحت گفته‌های آن‌ها اظهارنظر کنیم؟

طبیعتاً این بخشی از این نبرد است. آنچه دشمن در همان هنگام کتمان می‌کند درست است و آنچه را که ما کتمان می‌کنیم نیز صحیح است؛ اگرچه ما تعداد شهدای خود را کتمان نمی‌کنیم، زیرا شهدای خود را داماد می‌کنیم و برای آن‌ها عروسی می‌گیریم، به آن‌ها افتخار می‌کنیم و روزانه [خبر شهادت] آن‌ها را در برنامه‌های زنده اعلام می‌کنیم، اما آن‌ها تعداد کشته‌های خود را پنهان می‌کنند، این عنوانی است که با واقعیت این ارتش ارتباط دارد.

## ارتش اسرائیل نیروی کافی برای جنگیدن با لبنان را ندارد.

امروز این ارتش اسرائیل در غزه و در جبهه شمالی، یعنی شمال فلسطین، جبهه جنوبی لبنان، خسته و فرسوده شده است و در کرانه باختری مجبور شد ۲۴ گردان به آنجا بفرستد، بنابراین، لاپید نخست‌وزیر سابق دشمن، به کسانی که می‌خواهند با لبنان جنگ کنند، چه می‌گوید؟ می‌گوید: اگر با لبنان جنگ کنیم نیروی کافی برای جنگ با لبنان نداریم، این یکی از نتایج طوفان الاقصی است و این هم از نتایج جبهه شمالی و جبهه لبنان است.

لیبرمن چه می‌گوید؟ لیبرمن، وزیر سابق جنگ، وزیر سابق دارایی، رهبر حزب و رئیس یک جریان سیاسی و پارلمانی در کنست اسرائیل، هرروز سخنرانی می‌کند: ما شمال را از دست داده‌ایم.



مسئولان ارشد این رژیم چه می‌گویند؟ اسرائیل برای اولین بار از سال ۱۹۴۸ یک کمربند امنیتی در داخل فلسطین اشغالی ایجاد کرده است؛ در داخل اسرائیل می‌گویند: این «برای تمام زندگی‌اش» کمربند امنیتی در داخل سرزمین‌های لبنان است، اما امروز حتی در داخل سرزمین‌های اشغالی فلسطین هنوز جرئت نکرده‌اند حتی یک گام به جلو و بر روی زمین بردارند. تاکنون مقامات اسرائیلی چه می‌گویند؟ حزب‌الله بدون این‌که قدمی در فلسطین اشغالی بردارد بیش از دویست و سی هزار نفر را آواره کرده است و همچنان آواره هستند، نزدیک به ۵ ماه می‌گذرد و چشم‌انداز مشخصی وجود ندارد؛ این من نیستم که آن‌ها را می‌گویم، اسرائیلی‌ها از فجایع اقتصادی در شمال می‌گویند.

### از دیگر نتایج جبهه لبنان، بازدارندگی دشمن از جنگ با لبنان است.

حالا یکی می‌آید بیرون و به من می‌گوید: ای سید! ما در جنوب متحمل خساراتی شده‌ایم. درست است، ما خانه‌های تخریب شده و کشتزارهای سوخته داریم، اما خسارات اقتصادی ما با آن‌ها غیرقابل مقایسه است، زیرا در منطقه جلویی بدون آسیب، منطقه‌ای داریم که مورد غفلت دولت قرار گرفته است. ما مانند کوه شیخ علی و کوه حرامون منطقه گردشگری نداریم و نه کارخانه داریم و نه پروژه‌های عظیم کشاورزی، نه مؤسسات بزرگ و نه کارخانه‌های بزرگ، ما این خانه‌ها و تلاش دهقانان و کشاورزان جنوب و مردم روستاهای جلویی و خط مقدم را داریم.

بیشتر مناطق جبهه‌های خط مقدم عموماً به این صورت است، اما در شمال فلسطین اشغالی، از تولیدات کشاورزی و صنعتی، گردشگری و مالی آن‌ها، بخش اساسی و ضروری اقتصاد این رژیم است و این امر تأثیر زیادی بر اقتصاد رژیم دشمن دارد.

ما به این بسنده می‌کنیم، بنابراین می‌توانم بگویم: هرکسی که می‌خواهد ارزیابی کند که مقاومت در جبهه لبنان چه می‌کند. البته علاوه بر نتایج دیگری که قبلاً به آن‌ها اشاره کردیم. اما اکنون می‌خواهم در مورد اعداد صحبت کنم، زیرا از دیگر نتایج جبهه لبنان، ایجاد بازدارندگی دشمن از جنگ با لبنان است. این بازدارندگی تاکنون دشمن را از جنگ با لبنان منصرف کرده است و بسیاری از آن‌ها هراسان و بیمناک هستند و همچنان می‌دانند که مقاومت چه سودی برده است، هنوز چه چیزی را کتمان می‌کنید و منتظر چه چیزی برای رویارویی و نبرد بزرگ هستید؟.

برادران و خواهران، موضوع اسیران - یعنی آخرین مورد - به کجا خواهد رفت؟ این غزه است که مقاومت می‌کند و می‌جنگد و استقامت می‌کند و مردمش ایستادگی می‌کنند. اینجا جنوب لبنان است، جبهه‌اش باز است، شهدای گروه‌های مقاومت، مردم و غیرنظامیان هستند، خانه‌ها ویران شده و یورش‌ها به منطقه بقاع رسیده است.

این یمن است که پیامدهای این جنگ را به دوش می‌کشد، پیامدهای بزرگ و بسیار خطرناکی را به دوش می‌کشد، این مقاومت در عراق، ایران و سوریه تحت فشار فوق‌العاده‌ای است، انتخاب طبیعی و منطقی در این نوع نبردها گاز گرفتن انگشتان است و فتح و نصرت و پیروزی از آن صابران و بردباران است.

### محور مقاومت و گروه‌های مقاومت در موضع قدرت قرار دارند و دشمن در موقعیت ضعیفی قرار دارد.

من به شما می‌گویم: جامعه این دشمن خسته است - البته کمی زمان می‌برد - و از این به بعد نشانه‌های خستگی و فرسودگی آن بیشتر ظاهر می‌شود؛ کمی پیش از ارتش صحبت کردیم،



اگر ارتش این رژیم در این حد از خستگی و فرسودگی قرار دارد، جامعه و اقتصادش خسته‌تر است، سیاستمدارانش خسته هستند و مشکلات داخلی بزرگی دارند.

وضعیت در این رژیم چه خواهد شد: صبر بیشتر، ادامه کار بیشتر، استواری بیشتر، ایستادگی بیشتر می‌خواهد و دشمن را در نهایت مجبور می‌کند تا دست از تهاجم خود بردارد، شکست بخورد و به شکست خود اعتراف کند، اما قبل و بعد از آن و همراه با آن، یاری الهی و لطف الهی و رحمت الهی را می‌طلبد.

خداوند سبحان با وعده قرآنی و بر اساس تجربیات تاریخ در مورد انبیاء الهی و نیز تجربه خودمان، بندگان باوفایش، مجاهدان، ایثارگران، صبوران، استواران و انسان‌های با توکل را رها نمی‌کند، برایشان راهی می‌سازد و از جایی که انتظار ندارند، روزی‌شان می‌دهد.

او کارها را با قدرتش تعیین و مدیریت می‌کند و خداوند بر امور نظارت دارد. خداوند متعال این درها را می‌گشاید زیرا حکمتش ایجاب می‌کند که این در را بگشاید؛ تا آن زمان وظیفه و مسئولیت همه ما این است که استقامت کنیم، ثابت قدم باشیم؛ محور مقاومت و گروه‌های مقاومت در موضع قدرت قرار دارند و دشمن در موقعیت ضعیفی قرار دارد.

البته امروز حتی آمریکایی‌ها هم مانند کاری که بسیاری از تظاهرات‌کنندگان در آمریکا انجام می‌دهند - البته باید تشکر و قدردانی کرد و اعلام کردند که چه عرب باشند، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، جزو سایر آزادگان آمریکایی هستند - مسیحیان و دیگران در حزب دموکرات که به بایدن نامه نوشتند که متعهد به انتخاب او نیستند؛ آن‌ها اکنون در این مرحله بسیار تأثیرگذار هستند.

این مهم‌ترین نقطه فشار امروز بر دولت بایدن است، او نه از دنیا، نه از جامعه جهانی، نه از خدا، نه از تاریخ و نه هیچ چیز دیگری نمی‌ترسد؛ بایدن اکنون فقط از یک موضوع می‌ترسد که سیاست و عملکرد او در غزه منجر به شکست او در انتخابات ریاست جمهوری پیش رو شود.

از این رو نشسته و «قاتی کرده است» و ریاکاری می‌کند و بازی می‌کند، اگر این فشار و مخالفت‌ها در داخل ایالات متحده آمریکا ادامه پیدا کند، می‌تواند دریچه‌ای به روی امید باز کند؛ البته مواضع کشورهای که اسرائیل را تحریم کرده‌اند و اسرائیل را محکوم و آن را به نسل‌کشی متهم کرده‌اند مانند برزیل، ونزوئلا، کوبا و آفریقای جنوبی، همگی مواضع ستودنی است و به افزایش فشار بر اسرائیل کمک می‌کند، اما در نهایت موضع‌گیری آمریکایی‌ها، موضع تعیین‌کننده است.

برادران و خواهران عزیز، ان‌شاءالله در این ماه پربرکت، ما و شما از کتاب خداوند، از معنویت آن، از دعا کردن در آن، از نماز گذاردن، از روزه‌داری، از تهجد و از ایستادن در برابر خداوند متعال برای استعانت از او برای غلبه نفس اماره خودمان، بر شیاطین جن و انس و برای نبردی که در جریان است، بهره‌مند خواهیم شد. می‌جنگیم و دعا می‌کنیم و می‌جنگیم و روزه می‌گیریم و نماز می‌خوانیم و قرآن می‌خوانیم.

ما از خداوند متعال می‌خواهیم که به مردم غزه، به مردم ما در فلسطین، به مردم منطقه ما، به عزیزانمان در لبنان، به آواره‌ها، به ثابت‌قدمان، به خانواده‌هایی که تحت تأثیر [این جنگ] قرار گرفته‌اند، آسایش و آرامش عنایت فرماید. ان‌شاءالله پیروزی و رهایی از این تجاوز و از این دشمن وحشی و خون‌ریز و رسوا شده فرا خواهد رسید؛ خداوند به تمامی شما توفیق عنایت فرماید و خداوند متعال از شما قبول فرماید.

والسلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته.



NASROLLAH\_INFO